



بازرگانی بود که سرمایه ی فراوانی داشت و از حوادث روزگار، بسیار چیزها آموخته بود. روزی فرزندان را گرد خود، جمع کرد و گفت: «اگر پس از باران بلافاصله خورشید نمایان شود، نور آن به ذره های آب که هنوز در هوا وجود دارند، می تابد، ذره های ریز آب، مانند منشور نور خورشید را به رنگ های سازنده آن تجزیه می کنند، یعنی رنگ های گوناگون آن را از هم جدا می کنند. در نتیجه، رنگین کمان به وجود می آید.»

پدر توضیح داد: «در ناحیه ی کنار دریای خزر که وسعت کمی دارد اما جمعیت زیادی را در خود جای داده است هم می توانیم رنگین کمان را بسیار مشاهده کنیم زیرا در آنجا بارندگی زیاد است و اگر خوب گوش کنید، من مهارت ساخت رنگین کمان به کمک منشور را به شما آموزش می دهم.»